

سهم دولت در مطالعه نکردن



احمد خواجه نژاد
مدیر مسئول

در حوزه‌ی اقتصاد و بازرگانی، همیشه بر این اصل تاکید می‌شود که دولت‌ها بیش از آن که در اقتصاد دخالت داشته باشند، وظیفه دارند زیر ساخت سرمایه‌گذاری و کار اقتصادی را فراهم کنند. اغلب عالمان علم اقتصاد و توسعه بر این باورند که حاکمیت باید در حوزه زیرساخت سرمایه‌گذاری کند و شرایط را فراهم تا رشد اقتصادی با سرمایه شخصی سرمایه‌گذاران ایجاد شود. بنده بنای بر سخن گفتن در این زمینه را ندارم، چون نه در تخصص نگارنده است و نه به لحاظ موضوعی متناسب کار این نشریه. اما چون این معادله به لحاظ حجم تکرار و کاربرد آن در نظرات کارشناسان و رسانه‌ها در ذهن همگان جای گرفته و ملکه شده است به عنوان مقدمه عرض شد.

حوزه فرهنگ هم جدای از این قاعده نیست، هرچند بر این باورم که اهمیت زیر ساخت‌های فرهنگی بسیار مهم‌تر از زیر ساخت‌های اقتصادی است. همان گونه که دولت‌ها وظیفه دارند زیر ساخت سرمایه‌گذاری اقتصادی را فراهم کنند. جاده، راه آهن و فرودگاه بسازند، برق و آب و گاز و ... را برای سرمایه‌گذار اقتصادی فراهم کنند، بیشتر از آن وظیفه دارند زیر ساخت‌های توسعه فرهنگی را فراهم کنند. تا جامعه به سمت عقلانیت پیش برود. امروز مجامع علمی اگر بخواهند میزان رشد عقلانی یک جامعه را بسنجند، از طریق میزان سرانه مطالعه و کتابخوان‌ها، تعداد کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی، تعداد کتابهای چاپ شده و میزان کتابهای خریداری شده توسط مردم، این شاخص را ارزیابی می‌کنند. اگر نگاه دقیق داشته باشیم سهم حاکمیت در ایجاد این زیر ساخت بسیار زیاد است، به صورت مکرر از سوی متولیان امر گلایه می‌شود که چرا مردم ما و جوانان ما اهل مطالعه نیستند، به عقیده بنده این حرف مثل این می‌ماند که در حوزه سرمایه‌گذاری اقتصادی بگوییم چرا کسی بر روی قله دماوند و یا وسط کویر لوت کارخانه احداث نمی‌کند؟

این که میزان گرایش به مطالعه کم شده است، عوامل متعددی دارد. اما یکی از اصلی‌ترین علل آن بی‌توجهی به زیر ساخت‌های این بخش است. امروز برای جلب توجه مخاطب به سبب تغییر ذائقه و وجود جاذبه‌های فراوان، و جلب توجهات به سوی حوزه فرهنگ؛ عزم، اراده و درک عمیق‌تری را طلب می‌کند. اگر می‌خواهم انتقاد کنیم که چرا سرانه مطالعه ما پایین است، اول بگوییم چرا زیر ساخت‌های مطالعه فراهم نیست، برای آنکه این ادعا را ثابت کنیم فقط به دو سه شاخص اشاره می‌کنم.

برابر اعلام ایفلا (فدراسیون بین‌المللی کتابخانه‌ها) به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت، حداقل باید ۲ متر و ۸۰ سانتی‌متر، فضای کتابخانه‌ای وجود داشته‌باشد. در نظرات مسئولان کشور هم اعلام شده که در سند ۱۴۰۴ همین عدد هدف گذاری شده است. یعنی در ایران سال ۱۴۰۴ (۴ سال دیگر) که در آن جمعیت کشور

حدود ۹۰ میلیون نفر پیش بینی شده، باید ۲ میلیون و ۵۲۰ هزار متر مربع فضای کتابخانه‌ای داشته باشد، در حالیکه برابر آمار اعلام شده، الان ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار متر فضا وجود دارد، یعنی به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱/۷۷ متر مربع که این عدد در استان گلستان ۱/۴ متر است که نشان می‌دهد وضع استان ما فاجعه بارتر از کشور است. وقتی در تمام طول تلاش دولت‌های قبل و بعد از انقلاب، این میزان فضای کتابخانه‌ای درست شده، با شرایط امروز اقتصادی آیا امکان دارد که طی ۴ سال یک باره نزدیک به ۸۰ درصد تمام طول عمر کتابخانه سازی کشور، فضا ایجاد شود؟ بسیار بعید است هر چند همانگونه که عرض شد این عدد حداقل است، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت ۸ متر فضای کتابخانه‌ای وجود دارد. بگذریم از این که حداقل استاندارد مناسب برای ساخت یک کتابخانه فضای ۴۵۰ متری است و این درحالی است که بسیاری از کتابخانه‌های ما که در آمار آمده، چنین استانداردی را ندارند و هر جایی یک اتاق خالی بلا استفاده، بدون امکانات دیده شده و برای کار دیگری مناسب نیست، به کتابخانه تبدیل شده است. برابر اعلام اتحادیه بین المللی انجمن کتابداری باید به ازای هر یک نفر با سواد، حداقل یک و نیم کتاب در کتابخانه‌های عمومی وجود داشته باشد. برابر سرشماری نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۵ (آخرین آمار رسمی کشور) ایران ۶۲ میلیون و ۶۶۶ هزار و ۷۶۰ نفر با سواد دارد. که البته امروز با گذشت ۵ سال از این سرشماری این عدد بیشتر شده است، اما اگر همین عدد را مبنا بگیریم، باید امروز در کتابخانه‌های عمومی ایران ۹۴ میلیون جلد کتاب وجود داشته باشد. در حالی که برابر اعلام رسمی در سال ۱۳۹۸ کل کتابهای موجود در کتابخانه‌های ۴۴ میلیون و ۶۲۳ هزار جلد بود است، یعنی به ازای هر ایرانی با سواد ۰/۷۲ (هفتاد و دو صدم) کتاب داریم، معادل نصف حداقل‌های در نظر گرفته شده، البته در بسیاری از استانها از جمله گلستان این عدد بسیار کمتر است و به ازای هر با سواد ۰/۴۲ (چهل و دو صدم) کتاب وجود دارد یعنی کمی بیشتر از یک چهارم حداقل‌ها.

بازار رقابتی جاذبه‌ها، هر روز تلاش دارد تا به خود رنگ و لعاب بهتری از قبل بزند و مشتری بیشتری جذب کند، آیا شده از خود بیرسیم ما که مرتب جوانان را سرزنش می‌کنیم چرا به کتابخانه نمی‌روند و چرا کتاب نمی‌خوانند؟ از دولت‌ها بیرسیم شما چند کتابخانه با امکانات بروز و استاندارد و فضای جذاب و منابع کامل، تأسیس و تجهیز کرده‌اید، آیا یک مغازه فست فود که امروز جزء مشاغل پر مشتری است، اگر به فضای عمومی خود و امکانات مورد نیاز پذیرایی از مشتری و زیبایی محل کار و کیفیت مواد اولیه استفاده شده خود، توجه نداشته باشد قادر است مشتری جلب کند؟ کتابخانه‌ای بدون هیچ امکانات اولیه و در ساختمانی نافرمان و غیر استاندارد و بدون حداقل جاذبه و کتابهای تاریخ مصرف گذشته و سانسور و چین شده و... می‌تواند چقدر برای جوان ما جاذبه داشته باشد در هر حالی که در یک گوشی تلفن همراه با ابعاد یک کف دست، هزاران جاذبه تمام ناشدنی برای پر کردن ساعت‌ها و وقت روزانه او وجود دارد. داشتن کتابخانه‌های جذاب، تشکیل، با امکانات روز دنیا و بخش‌های متنوع و منابع غنی و بروز حداقل زیر ساخت توسعه فرهنگی است که وظیفه دولت‌هاست آن را فراهم کنند، متأسفانه تا رسیدن به این حداقل‌ها فاصله زیادی داریم و در این شرایط امید نداشته باشیم، یک جوان سرمایه عمر خود را در جایی که زیر ساخت آن فراهم نشده، سرمایه گذاری کند.